



# است واژه‌ها در قرآن کریم

امت واحده در قرآن کریم  
امت واحده در قرآن کریم  
امت واحده در قرآن کریم  
امت واحده در قرآن کریم  
امت واحده در قرآن کریم

دکتر علی قدسی

## مقدمه

در سال ۱۳۷۳ خورشیدی، در ماه مبارک رمضان ۱۴۱۵ قمری تصمیم گرفتم قرآن کریم را با دقت و وسواس بیشتر بخوانم و بفهم بعد از مدتی که چندین صفحه از قرآن را با ترجمه فارسی خواندم، دیدم ترجمه بعضی از آیات قرآن با پیام آیه همخوانی ندارد، مثلاً «علق را خون بسته» یا «خون لخته شده» ترجمه می کنند و مضغه را «گوشت جویده شده» ترجمه می کنند. که هیچ توجیه علمی ندارد یا مثلاً آیه ۷ تا ۵ سوره طارق را که می فرماید: فلینظر الانسان مم خلق. خلق من ماء دافق. یخرج من بین الصلب و الترائب، اصلاً هیچ مترجمی به پیام علمی این آیه ها توجه ندارد و کوچک ترین کوششی به خرج نمی دهد.

و یخرج من بین الصلب و الترائب را بعضی ها [از میان ستون پشت مرد و سینه زن خارج می شود] ترجمه می کنند بدون اینکه به ریشه کلمات توجه کنند و به موقعیت تشریحی دستگاه های تولید مثل مرد و زن دقت کنند، ترائب را که جمع تریه است بعضی ها سینه زن ترجمه می کنند و مثل این است که بگویند ادرار در کبد درست شده از گوش بیرون می آید. حداقل خود آیه را تحت اللفظی ترجمه کنند و توجیه علمی آیه را به بزرگان علم و دانش ارجاع دهند خیلی بهتر است، تا اینکه به آیه کریمه ۳۳ از سوره زخرف رسیدم. به

ترجمه‌های متعدد و تفسیرهای مختلف مراجعه کردم، ولی مفهوم ترجمه آیه را کمتر فهمیدم لذا به کند و کاو پرداختم و بعد از ۶ ماه تلاش شبانه روزی مفهوم آیه را به نظر خودم پیدا کردم و مشکل خود را حل کردم، لذا نتیجه کار را به محضر مبارک قرآن پژوهان بزرگوار و مردم عزیز قرآن خوان تقدیم می‌دارم:

پرسش: امت واحده در قرآن به چه معنی است؟ و چرا خداوند رحمان در آیه ۳۳ از سوره مبارکه زخرف که می‌فرماید: و لولا ان يكون الناس امة واحدة لجعلنا لمن يكفر بالرحمن لبيوتهم سقفاً من فضة و معارج عليها يظهرون، به کسانی از امت واحده که به خداوند رحمن کفر بورزد پاداش می‌دهد؟

ابتدا ترجمه آیه ۳۳ از سوره زخرف را از مترجمان مختلف ذکر می‌کنیم سپس به بررسی مفهوم (امت واحده) در قرآن کریم می‌پردازیم:

۱. ترجمه استاد سید محمد باقر موسوی همدانی:

و اگر نبود که خواستیم مردم در تحت یک نظام قرار گیرند، برای هر کس به رحمان کفر بورزد خانه‌هایی دارای سقفی از نقره قرار می‌دادیم و پله‌هایی که با آن بالا روند و خودنمایی کنند.<sup>۱</sup>

۲. ترجمه برگزیده تفسیر نمونه:

اگر (تمکن کفار از مواهب مادی) سبب نمی‌شد که همه مردم و امت واحد (گمراهی) شوند، ما برای کسانی که به رحمان کافر می‌شدند خانه‌هایی قرار می‌دادیم با سقف‌هایی از نقره و نردبان‌هایی که از آن بالا بروند.<sup>۲</sup>

۳. ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند:

و اگر نه آن بود که [همه] مردم [در انکار خدا] امتی واحد گردند، قطعاً برای خانه‌های آنان که به [خدای] رحمان کفر می‌ورزیدند، سقف‌ها و نردبان‌هایی از نقره که بر آنها بالا روند قرار می‌دادیم.

۴. ترجمه استاد بهاء‌الدین خرمشاهی:

و اگر این نبود که [نمی‌خواستیم] مردم امت یگانه‌ای [در کفر] شوند، برای خانه‌های کسانی که بر خداوند رحمان کفر می‌ورزیدند، سقف‌هایی سیمین پدید می‌آوردیم و نیز نردبان‌هایی [از سیم] که بر آنها بالا روند.

۵. ترجمه دکتر مصطفی خرم دل :

اگر [بهره مند شدن کفار از انواع مواهب مادی] سبب نمی شد که همه مردم (تمایل به کفر پیدا کنند و در گمراهی) ملت واحدی گردند، ما برای کسانی که به خداوند مهربان باور نمی داشتند خانه هایی با سقف هایی از نقره فراهم می آوردیم و برای آنان پله ها و نردبان هایی سیمین ترتیب می دادیم که از آنها بالا روند. (چرا که نعمت چند روزه حیات بی ارزش است و در مقابل نعمت جاویدان آخرت چیزی به حساب نمی آید)

۶. ترجمه مرحوم استاد زین العابدین رهنما :

و اگر نه آن بودی که مردمان امت واحد باشند برای خانه های آنان که به خدای بخشنده کافر می شوند سقف هایی از نقره و نردبان هایی (از زر) قرار می دادیم که بر آن بالا روند. ۳

۷. ترجمه استاد مسعود انصاری :

و اگر [این احتمال] نبود که مردم همه یک امت می شوند، به یقین برای خانه های کسانی که به [خدای] رحمان کفر می ورزند، سیمین سقف هایی قرار می دادیم و [نیز] نردبان هایی که بر آن به بالا برآیند.

۸. ترجمه استاد کاظم پورجوادی :

اگر چنین نبود که همه مردم یک امت می شوند، سقف خانه منکران خدای رحمان را از نقره و برای بالا رفتن آن نردبان هایی می نهادیم.

۹. ترجمه استاد احمد کاویانپور :

و اگر غیر از این می شد که مردم امت واحد شوند مسلماً کسانی را که به خدای رحمن کافر شدند سقف ها و پله هایی از نقره قرار می دادیم که از آنها بالا روند. ۴

۱۰. ترجمه مرحوم محمد کاظم معزی :

و اگر نبود که می شدند مردم ملتی یگانه هر آینه قرار می دادیم برای آنان که کفر ورزیدند به خدای مهربان برای خانه های آنان پوشش هایی از سیم و نردبان هایی که بر آن برآیند.

۱۱. ترجمه استاد دکتر طاهره صفارزاده :

و اگر این خطر وجود نداشت که همه در اثر نعمات دنیوی، امتی واحده طالب دنیا می شدند، برای کفر ورزندگان نسبت به الرحمن خانه هایی پدید می آوردیم با سقف هایی از نقره و نردبان هایی که از آنها بالا روند. ۵

و در تفسیر همین آیه در المیزان آمده است :

(این آیه و آیه بعدش این معنا را بیان می کند که متاع دنیا نزد خدای سبحان قدر و منزلتی ندارد) و سپس از زبان مفسران، مطالبی را بیان فرموده و ادامه می دهد :

و معنای آیه این است که اگر نبود که مردم همگی بر کفر اجتماع می کردند. اگر می دیدند که کفار متنعم و مؤمنین محرومند، هر آینه ما برای خانه های هر کس که به رحمان کفر می ورزید سقفی از نقره درست می کردیم و بدرجاتی بر دیگران غلبه می دادیم و ممکن هم هست که مراد به امت واحده بودن مردم این باشد که همه مردم در برابر اسباب و عوامل بهره های زندگی یک نسبت دارند و در این نسبت فرقی بین مؤمن و کافر نیست. پس هر کس متتهای سعی خود را در طلب رزق بکار برد و اسباب و عوامل دیگر هم که در اختیارش هست مساعد با این کوشش باشد، قهراً به رزق مطلوب خود می رسد چه مؤمن باشد چه کافر و کسی که آن اسباب و عوامل با سعی وی جمع نباشد و مساعدت نکند محروم می گردد و رزقش تنگ می شود چه مؤمن و چه کافر.

و معنای آیه این است که اگر نبود که ما اراده کرده ایم مردم در برابر اسبابی که آنان را به زخارف دنیا می رساند یکسان نباشند و اختلافشان هم به خاطر ایمان و کفر نباشد هر آینه برای کفار سقف ها از نقره قرار می دادیم.<sup>۶</sup>

ملاحظه می فرمایید که هیچ کدام از ترجمه ها رسائی را ندارند و به این پرسش ساده پاسخ قانع کننده نمی دهند که اولاً امت واحده یعنی چه؟ و مصداق خارجی آن کدام است؟ ثانیاً چرا خداوند از امت واحد به کسی که به رحمان کفر بورزد پاداش می دهد و در حقیقت مدال می دهد؟

اکنون راقم سطور آنچه را که از آیه ۳۳ سوره زخرف و سایر آیه هایی که در آنها از امت واحده سخن به میان آمده فهمیده و مشکلش را حل کرده به صورت زیر تقدیم می دارد :

اگر به مفهوم آیه ۳۲ از سوره زخرف توجه نکنیم، مفهوم آیه ۳۳ بر ما معلوم نمی شود. ترجمه آیه ۳۲ به صورت زیر می باشد: آیا آنها رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند؟ ما وسائل معاش آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده ایم و برخی از آنان را از نظر درجات، بالاتر از بعضی دیگر قرار کرده ایم تا بعضی از آنها بعضی دیگر را در خدمت گیرند و

رحمت پروردگارت از آنچه آنان می اندوزند بهتر است. (فولادوند)

در این آیه کریمه خداوند می فرماید: این ما هستیم که اراده فرمودیم انسان ها نسبت به همدیگر درجات مختلفی داشته باشند تا همه یکسان عمل نکنند، همه به یک رشته علاقه نشان ندهند، همه به یک صورت رشد پیدا نکنند، همه در یک رشته تخصص پیدا نکنند. بلکه انسان های مختلف، افکار و استعداد و نقش های مختلف داشته باشند. تخصص های مختلف بوجود بیاورند و همه انسان ها در خدمت یکدیگر باشند و نیازهای مادی و معنوی خود را از همدیگر مرتفع سازند: یکی معلم شود، یکی نجار، دیگر کشاورز، یکی مهندس کشاورزی، آن دیگری معمار و آن یکی دامدار، آن دیگری طیب و استاد و رتبه ها و رشته ها و درجات متعدد دیگر بوجود آورند. در آیه بعدی (۳۳) خداوند می فرماید: و لولا: اگر چنین نمی شد. ان یكون الناس امة واحدة: در آن صورت انسان ها امت یگانه می شدند: مثل همه گروه های جانوری، انسان ها هم موجودات فطری و غریزی می شدند، هرگز صاحب عقل و علم و حکمت نمی شدند، موجودی بی اراده، بی مسئولیت، بی اختیار، در روی زمین پراکنده می شدند و به طور یکنواخت، به حکم استعداد فطری و غریزی و بدون تجربه قبلی و تنها برای رفع نیاز فردی و مقطعی عمل می کردند و هرگز برای ترقی و پیشرفت خود و هم نوعان خود تلاش نمی کردند: لجعلنا لمن یکفر بالرحمن لیوئهم سقفاً من فضة و معارج علیها یظہرون: در آن صورت، قطعاً برای خانه های آنان که [جرأت و شهامت پیدا می کردند و از روی اراده و اختیار و با تحصیل شناخت و معرفت، بدون اینکه خدا اراده فرموده باشد، از سیطره غریزه خارج شده و تصمیم می گرفتند تا] به خداوند رحمان کفر بورزند، [به عنوان پاداش و مدالی که هرگز اتفاق نمی افتاد] سقف هایی سیمین پدید می آوردیم و نیز نردبان هایی [از سیم] که بر آنها بالا روند.

ملاحظه می فرمایید که انسان های غریزی قادر به کفر به رحمان نیستند، کدام یک از شیرها و یا بیهرا یا حیوانات و موجودات دیگر جرأت می کند تا به خداوند رحمان کفر بورزد؟ کدام یک از جانوران دارای عقل و علم و حکمت هستند تا بتوانند در سایه آن شناخت داشته باشند. تعلیم و تعلم داشته باشند و نیک و بد و حق و باطل را بشناسند و خود مسئول اعمال خود باشند و خود مستقیماً تصمیم بگیرند، نقشه بکشند و عمل کنند؟

تنها نوع انسان است که می تواند تصمیم بگیرد که خدا را بپرستد یا کفر بورزد چرا؟ چون انسان از حالت [امت واحد بودن] خارج شده، به درجه بالاتر از حالت غریزی یعنی به درجه انسانیت رسیده است و آنچه را که نمی دانست از خدا آموخته است.

۱. و ما كان الناس الا امة واحدة فاختلفوا و لولا كلمة سبقت من ربك لقضى بينهم  
اکنون به بررسی مفهوم امت واحد در آیات دیگر قرآن کریم می پردازیم:

فیما فيه یختلفون (یونس، ۱۰/۱۹)

ترجمه: و مردم جز امتی یگانه نبودند، پس اختلاف پیدا کردند و اگر وعده ای از جانب پروردگارت مقرر نگشته بود، قطعاً در آنچه بر سر آن با هم اختلاف می کنند میانشان داوری می شد. (فولادوند)

۲. كان الناس امة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين و منذرين و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه... (بقره، ۲/۲۱۳)

ترجمه: مردم، امتی یگانه بودند، پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم دهنده برانگیخت و با آنان کتاب را از منبع حق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه اختلاف داشتند داوری کند.

۳. و لو شاء ربك لجعل الناس امة واحدة و لا یزالون مختلفین (هود، ۱۱/۱۱۸)  
ترجمه: و اگر پروردگار تو می خواست قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می داد، در حالی که پیوسته در اختلافند.

۴. و لو شاء الله لجعلکم امة واحدة و لکن یضل من یشاء و یهدی من یشاء و لتسئلن عما کنتم تعملون. (نحل، ۱۶/۹۳)

ترجمه: و اگر خدا می خواست قطعاً شما را امتی واحد قرار می داد ولی هر که را بخواهد [هر کسی را که در کفر اصرار بورزد] بیراه می گذارد و هر که را بخواهد [هر کس را که طالب باشد] هدایت می کند و از آنچه انجام می دادید حتماً سؤال خواهید شد.

۵. و لو شاء الله لجعلکم امة واحدة و لکن لیبلوکم فی ما ءاتکم... (مائده، ۵/۴۸)  
ترجمه: و اگر خدا می خواست همه شما را یک امت قرار می داد ولی [خدا می خواهد] تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید.

۶. و ما من دابة فی الارض و لا طائر یطیر بجناحیه الا امم امثالکم (انعام، ۶/۳۸)

ترجمه: و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند مگر آنکه آنها نیز امت‌هایی مانند شما هستند. (فولادوند)

در تفسیر آیه ۱۹ از سوره یونس در ترجمه تفسیر المیزان آمده است: مقصود از بیان این که مردم در ابتدا یک امت بوده‌اند و ما کان الناس الامة واحدة فاختلفوا، این است که همگی یک دین داشته‌اند یعنی دین توحید و بعداً دچار اختلاف و پراکندگی شده و به صورت دو دسته یکتاپرست و مشرک در آمده‌اند (توجه کنید امت واحده به دین توحید تعبیر شده است). در برگزیده تفسیر نمونه، در تفسیر همین آیه فرموده‌اند: در آغاز، همه افراد بشر امت واحدی بودند و جز توحید در میان آنها آیین دیگری نبود: و ما کان الناس الامة واحدة.<sup>۷</sup>

این فطرت توحیدی که در ابتدا دست نخورده بود با گذشت زمان بر اثر افکار کوتاه و گرایش‌های شیطانی، دستخوش دگرگونی شد. گروهی از جاده توحید منحرف شدند و به شرک روی آوردند و طبعاً جامعه انسانی به دو گروه مختلف تقسیم شدند: گروهی موحد و گروهی مشرک [فاختلفوا] بنابراین شرک در واقع یک نوع بدعت و انحراف از فطرت است، انحرافی که از مشتی اوهام و پندارهای بی اساس سرچشمه گرفته است. و قرآن بلافاصله اضافه می‌کند «و اگر فرمانی از طرف پروردگارت (درباره عدم مجازات سریع آنان) از قبل صادر نشده بود، (در میان آنها در آنچه اختلاف داشتند داوری می‌شد) و سپس همگی به مجازات می‌رسیدند، (و لولا کلمة سبقت من ربک لفضی بینهم فیما فیہ یختلفون).<sup>۸</sup>

این سؤال پیش می‌آید که گناه امت واحده چه بود که باید سریع مجازات می‌شدند؟ نظر راقم سطور به شرح زیر می‌باشد:

اولاً انسان‌ها در آغاز جز یک امت نبودند یعنی مانند سایر گروه‌های جانوری تابع الزامات غریزی بودند. ثانیاً اختلاف پیدا کردند. اختلاف آنها بر سر حق و باطل نبود بلکه اختلاف پیدا کردند یعنی نسبت به گروه‌های جانوری دیگر، ارتقاء هوش پیدا کردند و از سایر گروه‌های جانوری متمایز شدند چرا؟ به دلیل اینکه قبلاً خداوند وعده داده بود که انسان خلیفه خدا در زمین می‌شود و حامل استعدادهای خدایی و صفات و استعداد خدادادی اوست. صاحب علم و حکمت می‌شود، صاحب اختیار و مسئول اعمال خود

می شود. آزادی انتخاب پیدا می کند در انتخاب راه حق و باطل. بعد از آن که آیات الهی نازل شد. مخیر می شود، لذا از جانب خداوند رحمان نعمت بیان به آنها اعطا شد. از این رو مفهوم لقصی بینهم فیما فیه یختلفون این است که اگر وعده خدا نبود، در مورد تمایز آنها و یکسره شدن تکلیفشان، در میان خیل عظیمی از گروه های جانوری حکم قطعی صادر می شد که چه مسیر را طی کند.

در تفسیر آیه ۱۸ از سوره هود که می فرماید: **و لو شاء ربک لجعل الناس امة واحدة و لا یزالون مختلفین: المیزان آمده است:**

بنابراین معنای آیه مورد بحث چنین می شود: و اگر اختلاف کنند رد امر دین باری، خدا را بدین وسیله عاجز نمی کنند چه اگر خدا می خواست می توانست مردم را یک امت قرار دهد و در نتیجه در امر دین اختلافی میانه آنها پدید نیاید.<sup>۹</sup>

در تفسیر نمونه چنین بیان شده:

در این آیه یکی از سنن آفرینش که در واقع زیربنای سایر مسائل مربوط به تفسیر است اشاره شده و آن مسأله آزادی اراده و اختیار است. می فرماید (اگر خدا می خواست همه مردم را [امت واحده] قرار می داد (ولی خداوند چنین کاری نکرده) و همواره انسان ها با هم اختلاف دارند) تا کسی تصور نکند تأکید و اصرار پروردگار در اطاعت فرمانش دلیل بر این است که همه آنها را در مسیر ایمان و یک برنامه معین قرار دهد.<sup>۱۰</sup>

باز در تفسیر آیه ۹۳ از سوره نحل که می فرماید:

و اگر خدا می خواست همه شما را امت واحدی قرار می داد [و لو شاء الله لجعلکم امت واحده] هم مرقوم فرموده اند: امت واحده از نظر ایمان و قبول حق، ولی بدیهی است این پذیرش حق نه گامی به سوی تکامل است نه دلیلی بر افتخار پذیرنده آن. لذا سنت خدا این است که همگان را آزاد بگذارد تا با اختیار خود راه حق را بیوند.<sup>۱۱</sup>

در تفسیر آیه ۴۸ از سوره مائده آنجا که خداوند می فرماید: **و لو شاء الله لجعلکم امة واحدة ولكن لیلوکم فیما اتیکم فرموده اند:**

خداوند می خواست همه مردم را امت واحدی قرار دهد و همه را پیرو یک آیین سازد



ولی خدا می خواهد شما را در آنچه به شما بخشیده بیازماید و استعداد های مختلف شما را پرورش دهد. ۱۲.

و در تفسیر آیه ۳۸ از سوره انعام نیز اعلام نظر فرموده اند:

که هر یک از انواع حیوانات و پرندگان برای خود امتی هستند، خدا را می شناسند و به اندازه توانایی خود او را تسبیح و تقدیس می گویند اگر چه فکر آنها در سطح پایین تر از فکر و فهم انسان ها است.

و سپس فرموده اند:

زندگی بسیاری از حیوانات آمیخته با نظام جالب و شگفت انگیزی است که روشنگر سطح عالی فهم و شعور آنهاست، کیست که درباره مورچگان و زنبور عسل و تمدن عجیب آنها و شگفت انگیزی لانه و کندو سخنانی شنیده باشد و مسلم است آنها را به آسانی نمی توان ناشی از غریزه دانست زیرا غریزه معمولاً سرچشمه کارهای یکنواخت و مستمر است اما اعمالی که در شرایط خاصی که قابل پیش بینی نبوده به عنوان عکس العمل انجام می گردد به فهم و شعور شبیه تر است تا به غریزه. ۱۳.

لازم به ذکر است که غریزه استعدادی است که حیوان را خود بخود - یعنی پیش از تجربه - به اجرای اعمال مفید و با معنی و پیچیده برمی انگیزد و قوای او را بدون احتیاج به اکتساب تعدیل می کند، چنانکه جوجه را فوری به دانه چیدن و مرغ را به آشیانه ساختن و طیور را به بیلاق و قشلاق یا تمیز خطر از دور و می دارد. ۱۴.

زنبور عسل بدون تجربه قبلی اقدام می کند و در مجموعه اعمال شگفت انگیز مورچه و زنبور عسل در طول چند صد میلیون سالی که از پیدایش آنها می گذرد تغییر حاصل شده است.

بنابراین غریزه، استعداد فطری و خدادادی است که به هیچگونه یادگیری نیازمند

نیست و موجود زنده را به فعالیت معینی برمی انگیزد. ۱۵.

همه گونه های جانوری بر طبق فرامین غریزه عمل می کنند و این خود یکی از آیات بیانات و معجزات بزرگ آفریدگار عالم است.

در تفسیر المیزان، ذیل آیه ۴۸ سوره مائده چنین مرقوم فرموده اند:

بنابراین معنای آیه چنین است: برای هر امتی از شماها شریعت و راهی قرار دادیم و اگر خدا می خواست همه شما را یک امت گرفته برایتان یک شریعت مقرر می کرد ولی شریعت های گوناگونی برایتان مقرر کرد تا شما را در نعمت های گوناگونی که به شما داده بیازماید، اختلاف نعمت ها مستلزم اختلاف امتحان که به عنوان وظائف و احکام شرع است می باشد، بناچار میان شریعت ها اختلاف افتاد...  
والله اعلم<sup>۱۶</sup>

نظر راقم قسطور به شرح زیر تقدیم می شود:

در قرآن (امت واحده)، به معنی آیین واحد به مفهوم توحیدی آن نیست بلکه (امت واحد بودن) به صورت گروه جانوری و غریزی و فطری بودن از یک نوع است که با هم زندگی می کنند ولی هیچ کدام به دیگری برتری ندارند، هیچ کدام در استخدام دیگری نیست، صدها میلیون سال است که زندگی می کنند ولی هیچ تغییری در رفتار و کردارشان پیدا نشده بلکه تابع استعداد فطری و غریزی هستند.

گرگ ها ممکن است با سگ ها هم ریشه باشند، شیرها ممکن است با پیرها از یک پدر و مادر باشند، هنوز هم به صورت امت واحد هستند، تنها نوع انسان است که می تواند تصمیم بگیرد، علم بیاموزد، روش زندگی خود را عوض کند.

آنجا که خداوند می فرماید: و اگر پروردگار تو می خواست قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می داد در حالی که پیوسته در اختلافند. (هود/۱۱۸) مفهومش این است که اگر خدا می خواست به شما عقل نمی داد، قدرت تفکر و تصمیم گیری و خلاقیت نمی داد، آزادی انتخاب نمی داد، اسماء همه چیز (همه علوم طبیعت) را به شما نمی آموخت. و آنچه را که نمی دانستید به شما نمی آموخت از همه بالاتر از روح خود در شما نمی دمید تا صفات خدایی و قدرت خدایی پیدا کنید و به شما قدرت بیان عطا نمی کرد و شما هم همانند گروه های بی شمار جانوری امت یگانه می شدید و به زندگی حیوانی ادامه می دادید و به حکم استعداد غریزی تا فرصتی معین، از مواهب طبیعت بهره مند می شدید؛ و لایزالون مختلفین یعنی در حالی که از نظر عقلی و علمی پیوسته در حال پیشرفت هستند و اختلافشان با گروه های جانوری دیگر روز به روز بیشتر و بیشتر می شود.

بنابراین امت واحده در قرآن مجید تنها به مفهوم گروه یگانه است که تابع استعداد های

غریزی است و هیچ بهره‌ای از عقل و علم و حکمت و تجربه و خلاقیت ندارد. کان الناس امة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين و منذرين و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه. (بقره، ۲/۲۱۴)

مردم امتی یگانه بودند، بعدها خداوند پیامبران را نویدآور و بیم دهنده برانگیخت - یعنی پیامبران را مبعوث فرمود که خوبان را به عاقبت خوب بشارت دهند و بدکاران را به کیفرهای الهی - و همراه با این پیامبران - کتاب آسمانی که همگان را به سوی حق توصیه می‌کرد، نازل فرموده شد تا براساس قوانین الهی بین مردم رفع اختلاف کند. (صفا رزاده) در تفسیر ارجمند المیزان، ذیل آیه ۲۱۳ از سوره بقره می‌خوانیم:

كان الناس امة واحدة، ظاهر آیه دلالت دارد بر اینکه دورانی بر بشر گذشته که افراد با یکدیگر متحد و متفق بودند و ساده و بی سر و صدا زندگی می‌کردند. نه در امور زندگی با یکدیگر نزاع و جنگی داشتند و نه در امور دینی و عقاید مذهبی اختلاف و تفرقه‌ای بین ایشان وجود داشت. دلیل بر اینکه در امور دنیوی نزاعی نداشتن، این است که در آیه شریفه، بعثت پیغمبران و قضاوت کتاب در موارد اختلاف، از وحدت امت در رتبه دوم قرار داده شده می‌فرماید (كان الناس امة واحدة فبعث الله) یعنی مردم گروه واحدی بودند پس خدا پیامبرانی فرستاد و با ایشان کتاب نازل کرد تا در اختلافات ایشان حکم کند. بنابراین اختلاف در امور زندگی بعد از دوران وحدت و اتحاد ایشان بودن و دلیل بر اینکه در امور دینی با هم اختلافی نداشتند این است که می‌فرماید: و ما اختلف فيه الا الذين اوتوه من بعدها ما جاءتهم البينات بغيا بينهم، درباره کتاب اختلافی نکردند مگر کسانی که حامل آن بودند که از روی نفی و تعدی ایجاد اختلاف نمودند.

هر چه به عقب برگردیم خواهیم دید که آشنایی انسان به رموز زندگی و اسرار طبیعت کمتر بوده تا اینکه به دوران ابتدایی زندگی انسان برسیم، در آن عصر مسلماً انسان فوق العاده ساده می‌زیسته و از شئون زندگی و مزایای حیاتی جز اندکی برخوردار نبوده و گویا از معلومات، تنها علوم بدیهی و پاره‌ای از مطالب نظری و فکری را که برای ادامه حیات آتروزی لازم بوده داشته است. برای خوردن به طور ساده از پاره‌ای گیاه‌ها یا مختصری شکار جانوران استفاده می‌کرده، و برای

سکونت به غارها و شکاف کوه‌ها پناه می‌برده و برای دفاع در مقابل دشمن، به سنگ و چوب متوسل می‌شده است. البته جمعیتی که زندگانشان بدین منوال باشد چندان اختلاف و فساد قابل اهمیتی در میان ایشان پیدا نمی‌شود بلکه حالشان حال گله گوسفندی است که دور هم جمع می‌شوند و در مسکنی آرا می‌گیرند و در چراگاهی چرا می‌کنند و از چشمه آبی سیراب می‌شوند و اگر احیاناً اختلافی میانشان روی دهد بسیار ناچیز خواهد بود.<sup>۱۷</sup>

حضرت آیت الله طالقانی<sup>(ره)</sup>، ذیل آیه ۲۱۳ از سوره بقره چنین مرقوم فرموده اند: آنچه از بیان این آیه استفاده می‌شود پنج دوره فکری و اجتماعی انسان و تکامل نبوت است:

۱. دوره انسان فطری که در اندیشه و صورت اجتماعی یک گونه بودند.
۲. مرحله بلوغ و ظهور نیروی تخیل و عقل اکتسابی که در اندیشه و بینش جهانی و محدوده حقوق و مرزهای طبقاتی و جغرافیایی اختلاف پدید آمد.
۳. مرحله ای که پیامبران مبعوث شدند تا عقول و اجتماع را با تبیین اصول اعتقادی و مقیاس‌ها از اختلاف برهانند. رسالت پیامبران نیز در دو مرحله انجام یافته: نخست ابشار و انذار، آنگاه آوردن کتاب و شریعت.
۴. اختلاف در دین: بعد از آنکه رسالت پیغمبران در میان توده‌ها نیروی جاذب و محرکی پدید آورد. دینداران و دین‌سازان حرفه‌ای آشکار می‌شوند که کتاب و شریعت را بر طبق امیال و هواهای خود و عامه مردم توجیه می‌نمایند و آیین توحید کم‌رنگ می‌شود و به رنگ اوهام و سنن ملی و نژادی در می‌آید و حاکمیت کتاب و شریعت محدود می‌گردد و زمینه برای بروز و سلطه طاغوت فراهم می‌شود.
۵. خداوند کسانی را که بینش برتری دارند و تجربه مذاهب و مرام‌ها آماده‌شان ساخته، هدایت می‌نماید تا حق را از میان انحراف‌ها و اختلاف‌ها دریابند و طلیعه رشد و توحید دیگران شوند.<sup>۱۸</sup>

ملاحظه فرمودید که علامه بزرگوار طباطبائی و آیت الله طالقانی نیز به فطری بودن انسان‌ها در دوره‌های اولیه زندگی بشر، اشاره فرموده‌اند ولی این نظر را در مورد امت واحده تعمیم نداده‌اند.

علامه شهید مرحوم آیت الله مرتضی مطهری نیز آغاز سیر تکاملی انسان را از حیوانات می دانند آنجا که می فرمایند:

حقیقت این است که سیر تکاملی انسان از حیوانات آغاز می شود و به سوی انسانیت کمال می یابد. این اصل هم درباره فرد صدق می کند و هم درباره جامعه، انسان در آغاز وجود خویش جسمی مادی است با حرکت تکاملی جوهری تبدیل به روح یا جوهر روحانی می شود (روح انسان) در دامن جسم او زائیده می شود و تکامل می یابد و به استقلال می رسد. حیوانیت انسان نیز به منزله لانه و آشیانه ای است که انسانیت او در او (رشد) می یابد و متکامل می شود. همانطور که خاصیت تکامل است - که موجود متکامل به هر نسبت که تکامل پیدا می کند مستقل و قائم به ذات و حاکم. و موثر بر محیط خود می شود - انسانیت انسان چه در فرد و چه در جامعه، به هر نسبت تکامل پیدا می کند، به سوی استقلال و حاکمیت بر سایر جنبه ها گام برمی دارد. یک فرد انسان تکامل یافته فردی است که بر محیط بیرونی و درونی خود تسلط نسبی دارد.

تکامل جامعه نیز عیناً به همان صورت رخ می دهد که تکامل روح در دامن جسم و تکامل انسانیت فرد در دامن حیوانیت او صورت می گیرد.<sup>۱۹</sup>

مصدق خارجی امت واحده قوم کوبو (Kubu) است که در جزیره سوماترا به سر می برند و فرهنگی بسیار ابتدایی دارند. کوبوها جنگ افزارهای سنگی ندارند. زمین بی درخت زیادی در اختیار ندارند. عملاً به تولید خوراک نمی پردازند مالک یا خادم کسی یا چیزی نیستند. برای گردآوری میوه های جنگلی، ریشه های گیاهی، عسل وحشی، گرفتن حیوانات وحشی و ربودن لاشه حیوانات سر به جنگل می گذارند. جای ثابتی برای زیستن ندارند و از ساقه ها و برگ های درخت خرما سرپناه ساده ای سر هم می کنند. شاید نیاکان ما در دوره پلیستوسن و در عصر طولانی سنگ، به همین منوال روزگار می گذراندند.<sup>۲۰</sup>

هر موجود زنده در طبیعت، از ویروس گرفته تا موجودات عالی، طبق یک الگوریتم یا دستورالعمل بسیار دقیق نوشته شده در DNA و RNA عمل می کنند. بنی آدم نیز دوران حیوانیت خود را به صورت امت واحده، در مدت طولانی طی کرده،

بتدریج ارتقاء هوش پیدا کرده و از گروه‌های جانوری دیگر متمایز شده وارد مرحله انسانیت شده است و به صورت موجد متفکر و ابزارساز و فرهنگ ساز درآمد است.



۱. ترجمه تفسیر المیزان، ۱۸/۱۴۹.
۲. برگزیده تفسیر نمونه، ۴/۳۶۹.
۳. قرآن مجید، با ترجمه و جمع آوری تفسیر، ۴/۶۴.
۴. قرآن مجید، ترجمه ترکی آذری/۴۹۱.
۵. قرآن کریم، ترجمه فارسی و انگلیسی/۱۱۸۳.
۶. ترجمه تفسیر المیزان، ۱۸/۱۵۸-۱۵۹.
۷. همان، ۱۰/۵۰.
۸. برگزیده تفسیر نمونه، ۲/۲۸۰.
۹. ترجمه تفسیر المیزان، ۱۱/۹۷.
۱۰. برگزیده تفسیر نمونه، ۲/۳۸۷.
۱۱. همان/۵۹۵.
۱۲. همان، ۱/۱۹۱.
۱۳. همان/۵۹۱-۵۹۲.
۱۴. فرهنگ معین، ۳/۲۴۱۰.
۱۵. دکتر علی اکبر شعاری نژاد، فرهنگ علوم رفتاری/۲۱۰.
۱۶. ترجمه تفسیر المیزان، ۵/۵۳۷.
۱۷. همان، ۲/۱۷۳-۱۷۴.
۱۸. سید محمود طالقانی، پرتوی از قرآن، ۲/۱۱۲.
۱۹. مرتضی مطهری، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی/۱۶.
۲۰. هنری لوکاس، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، تاریخ تمدن، ۱/۱۹.